



• درآمد

گفت و گو با نصر الله چمران، برادر شهید مصطفی چمران

## شهید چمران نماد پرهیزکاری و فداکاری و یار دیرینه امام و انقلاب بود...

ایران، کودتای ننگین ۲۸ مرداد را کودتای آمریکایی برای حفظ رژیم شاه می‌دانست. قیام ۱۵ خرداد هم که اتفاق افتاد، ایشان در آمریکا بود و از مریدان امام خمینی به شمار می‌رفت، و گاهی اوقات در نامه‌هایی که به تهران می‌فرستاد به نحوی از امام خمینی نام می‌برد و نشان میداد که برای امام خمینی (ره) احترام خاص قابل می‌باشد.

قبل از آغاز نهضت امام خمینی و رویدادهای ۱۵ خرداد یکسری سازمانها و احزاب سیاسی در ایران فعالیت داشتند، مانند نهضت آزادی، احزاب، مذهبی، حزب مؤتلفه، شهید چمران در دوران جوانی بعد دینی و مذهبی و انقلابی داشت از جزئیات گرایش‌های سیاسی ایشان اطلاع کافی ندارم. البته همانگونه که می‌دانید اکثریت جریان‌های فعال سیاسی آن مرحله با رژیم شاه مبارزه می‌کردند. به طور مسلم شهید چمران جزئیاتی را قبول داشت که هم بعد اعتقادی داشتند و هم بعد انقلابی.

از دلایل و زمینه‌های آشنایی شهید چمران با امام موسی صدر چه اطلاعی دارید؟

شهید چمران در پایان تحصیلات دانشگاهی در آمریکا مدتی هم سرگرم تدریس شدند. ایشان آمریکا را بستر فعالیتهای صهیونیستی می‌دانست و علاقه نداشت در آن کشور بماند و زندگی کند. در یادداشت‌های ایشان ذکر شده و یا یکی از دوستانشان نقل کرده‌اند، دقیقاً یادم نیست. به هر حال نقل شده که برخی دوستان نزدیک شهید چمران از ایشان پرسیدند که چرا پیشنهاد همکاری با سازمان فضاوردی آمریکا (ناسا) را رد کردید و چرا برای تدریس در آمریکا نماندید؟ ایشان در پاسخ گفتند که نمی‌خواهند نتیجه و ثمره کارشان به نفع صهیونیست‌ها و کسانی تمام شود که بر ضد اسلام و انسانیت برنامه‌ریزی می‌کنند. ایشان تأکید کردند که میل ندارند علمی را که آموخته‌اند در خدمت دشمنان اسلام قرار دهند. شاید بر اساس این دیدگاه بوده که به مصر و الجزایر و سپس لبنان عزیمت کرد و با امام موسی صدر آشنا شد. به هر حال آشنایی با امام موسی صدر نقطه عطفی بود برای تحقق اهداف و دیدگاه‌های اعتقادی مرحوم شهید چمران.

اشاره فرمودید که شهید چمران ابتدا به مصر و الجزایر

حفظ کرده است. در پایه‌گذاری انجمن اسلامی دانشجویان مسلمان در آمریکا نقش اساسی داشت. هنگامی که تحصیلات دانشگاهی ایشان در آمریکا به پایان رسید، سازمان فضاوردی آمریکا (ناسا) ایشان را به همکاری دعوت کرد ولی ایشان این پیشنهاد را رد کرد. دوستان همکلاسی شهید چمران نقل کرده‌اند که ایشان در دوران تحصیل ابتکارات و اختراعات چشم‌گیری ارائه داد، تئوری‌های علمی جدیدی ارائه داده بود.

شهید مصطفی چمران حدود سال ۱۳۵۰ از کشورهای الجزایر، مصر و لبنان بازدید کرد و در این سفر با امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان آشنا شد.

به نام‌هایی که شهید چمران از آمریکا ارسال می‌کرد اشاره

**شهید چمران در دوران جوانی بعد دینی و مذهبی و انقلابی داشت از جزئیات گرایش‌های سیاسی ایشان اطلاع کافی ندارم. البته همانگونه که می‌دانید اکثریت جریان‌های فعال سیاسی آن مرحله با رژیم شاه مبارزه می‌کردند. به طور مسلم شهید چمران جزئیاتی را قبول داشت که هم بعد اعتقادی داشتند و هم بعد انقلابی.**

کردید. آیا در این نامه‌ها به رویدادهای داخلی ایران به ویژه حوادث ۱۵ خرداد هم اشاره می‌کرد؟

در نامه‌هایی که به تهران می‌فرستاد و دیدگاه‌های خود را در آن با احتیاط بیان می‌کرد، نشان می‌داد که اوضاع داخلی ایران او را آزار می‌دهد. خشم خود را نسبت به رژیم و عملکرد شاه به نوعی بیان می‌کرد.

در مورد کودتای ۲۸ مرداد چه دیدگاهی داشت؟

در آن زمان سن بنده بسیار کم بود ولی بعدها از افراد خانواده شنیدم که شهید مصطفی چمران مانند سایر انقلابیون و مبارزان

اولین پرسش را درباره ابعاد شخصیت مرحوم شهید چمران آغاز می‌کنیم. هر چند که در دوران تبعید ایشان، کمتر با یکدیگر ارتباط داشته‌اید، اما به هر حال چند سالی در کنار یکدیگر همکاری کرده‌اید.

با تشکر از ماهنامه شاهد یاران که آثار ماندگار شهدا را تدوین می‌کنند، این شهدا باقیات الصالحات بشریت هستند و زنده نگه داشتن آثار و راهکار آنان کاری ارزشمند است. در حقیقت بنده و شهید چمران با یکدیگر ۱۸ سال تفاوت سنی داشتیم. ایشان در سال ۱۳۱۱ تولد یافت و من در سال ۱۳۲۹ متولد شدم. بنابراین ایشان در دوران کودکی بنده با بورسیه تحصیلی عازم یکی از دانشگاه‌های آمریکا شد. تا آنجا که به یاد دارم ایشان در دوران جوانی به اقامه نماز و روزه‌داری و رعایت احکام شرعی بسیار مقید بود. آدم کم‌حرف و در کار مبارزه و پیکار جدی بود. همواره نوع دوست و خیرخواه دیگران بود. میان خانواده و افراد فامیل با متانت و وقار رفتار می‌کرد.

اولین خاطره‌ای که از برادر شهید چمران به ذهنم می‌رسد، خاطرات رویدادهای کودتای ننگین ۲۸ خرداد سال ۱۳۳۲ و رویدادهای ۱۶ آذر می‌باشد. ایشان در جریان تظاهراتی که بر ضد دخالت آمریکا در ایران در روز ۱۶ آذر به راه افتاد به شدت مجروح شد. چرا که شهید چمران از دانشجویان فعال آن مرحله بود و در فعالیتهای مبارزاتی دانشگاه‌ها شرکت می‌کرد. همواره در کلاسهای تفسیر قرآن مرحوم آیت الله طالقانی حضور داشت.

بنده در سال ۱۳۳۶ در دبستان ثبت نام کردم که ایشان در سال ۱۳۳۷ به عنوان یکی از شاگردان اول دانشکده فنی دانشگاه تهران معرفی شد و بیدرنگ توسط دانشگاه تهران به یکی از دانشگاه‌های آمریکا معرفی شد. معدل ایشان در دانشکده فنی ۱۷ بود و این معدل در آن دوره بالا محسوب می‌شد. مرحوم مهندس بازرگان که در آن دوره ریاست دانشگاه را بر عهده داشت به شهید چمران گفته بود اگر ضوابط و مقررات دانشگاه اجازه دهد به شما ۲۲ یا ۲۴ نمره می‌دهم.

شهید مصطفی چمران پس از عزیمت به آمریکا هر هفته و یا هر ده روز یکبار برای خانواده نامه می‌فرستاد و از این نامه‌ها چنین برداشت می‌کردیم که ایشان تعهد و تدبیر و روحیه انقلابی‌گری و روحیه ستیزه‌جویی خود را با رژیم شاه

این فروشنده خرید نمی‌کردند. این فروشنده مسیحی به دیدار امام موسی صدر می‌رود و به او می‌گوید که من فقط نوشابه می‌فروشم. اما چرا شیعیان از من خرید نمی‌کنند؟ امام موسی صدر به او دلداری می‌دهند و روزی به مغازه او می‌روند و از مغازه او یک نوشابه میل می‌کنند. این اقدام مثبتی بر روابط مسلمانان و مسیحیان بر جای می‌گذارد. امام صدر با این اقدام نشان می‌دهد که پیروان طوایف لبنان باید متحد و یکپارچه و همدل باشند.

شهید مصطفی چمران نیز در همین جهت حرکت می‌کرد. در اندیشه و عقیده خود تعصب و افراط‌گری نداشت، با دید انسانی و اسلامی به افراد جامعه نگاه می‌کرد.

**تصاویر به جای مانده از شهید چمران هنگام حضورشان در لبنان نشان می‌دهد که ایشان همواره سلاح بر دوش و مسلسل به دست می‌گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بازگشت به ایران، پست وزارت دفاع به ایشان واگذار شد و سپس ستاد جنگ‌های نامنظم را تشکیل داد. از ابعاد نظامی شخصیت شهید چمران چه شناختی دارید؟**

شکی نیست که شهید چمران انسان بسیار با استعداد بود و استعدادها، نوآوری‌ها، ابتکارات و اختراعات ایشان شناخته شده است. به طور مسلم جنگ‌هایی که در جنوب لبنان روی می‌داد با جنگ تحمیلی رژیم صدام بر ضد ایران به کلی فرق می‌کرد. صحنه‌ها فرق می‌کرد. ابعاد جنگ متفاوت بود. تجارب نظامی و فنی که ایشان آموخته بود، به ایشان در ایران خیلی کمک کرد. زمانی که در لبنان اقدام داشت، اصول جنگ‌های چریکی را آموخته بود. ولی اصل عمل کردن به فنون جنگ‌های چریکی که موفق باشد و کمترین تلفات و کمترین هزینه را داشته باشد و بیشترین کاربرد و بیشترین بهره‌وری را داشته باشد یک اصل مهمی است. ایشان با استعداد و نبوغی که داشت، در ایران ابتکارات و تکنیک‌های جدیدی اختراع کرد و در راه مبارزه با ارتش قوی صدام آن را به کار برد. ایشان با تکیه و توکل بر خدای تعالی و با استفاده از تجربیات و دانش فنی که آموخته بود، و با توجه به ایمان و اعتقاد و عشق به اسلام و شهادت مسئولیت‌های نظامی سنگینی در جمهوری اسلامی ایران بر عهده گرفت و تاکتیک‌های جدیدی را ابداع کرد. شاید این نکته قابل مطالعه باشد زمانی که ارتش ایران پس از پیروزی انقلاب ضعیف بود، سپاه پاسداران و بسیج هنوز تشکیلات منسجمی نداشتند. شهید چمران با تاکتیک‌هایی که به کار می‌برد توانست پیشروی ارتش صدام را متوقف کند و ضربات شکننده‌ای بر ارتش عراق وارد کند.

**زمانی که شهید چمران به جنوب لبنان منتقل شدند، آیا ارتباطشان را با انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در آمریکا و دانشجویان مبارز ایرانی خارج از کشور حفظ کردند؟**

گمان کنم این ارتباط ادامه یافت و بسیاری از دانشجویان و مبارزانی که به لبنان می‌رفتند با ایشان دیدار و گفت و گو می‌کردند، بسیاری از دانشجویان و مبارزان ایرانی در لبنان

انسجام بیشتری داد. پس از پایه‌گذاری جنبش محرومان، حرکت امل تشکیل شد که بازوی نظامی جنبش محرومان بود. به هر حال شهید چمران آموزش - های نظامی که دیده بودند به بچه‌های جنبش امل منتقل می‌کردند. شاید بتوان گفت این فعالیتها زمینه پایه‌گذاری حزبالله را فراهم کرد.

**آیا شهید چمران هنگام اقامت در لبنان با سازمان‌های فلسطینی هم ارتباط داشتند؟**

هنگامی که جنبش امل به عنوان یک حرکت نظامی شناخته شده ظهور کرد، جنبش مقاومت فلسطینی (الفتح) با اسرائیل در حال مبارزه بود. این اهداف مشترک باعث شده بود که جنبش‌های امل و فتح با یکدیگر ارتباطاتی داشته باشند. شاید به دلیل تفاوت دیدگاهها و خط مشی‌های سیاسی با یکدیگر نزدیک نبوده باشند. اما مبارزه مشترک با رژیم صهیونیستی آن دو جنبش را به یکدیگر نزدیک کرده بود. البته آن موقع جنبش الفتح یک جنبش انقلابی قوی بود و به حرکت‌های نظامی گسترده دست می‌زد. من شنیده بودم که مرحوم شهید چمران جنبش فتح را به طور مطلق تأیید نمی‌کرد. می‌دانست که این جنبش اهداف سیاسی و گروهی و ... را دنبال می‌کند. نظر به اینکه فلسطینی‌ها آواره و محروم بودند و برای حقوق‌شان مبارزه می‌کردند، شهید چمران تا حدودی مبارزات آنان را تأیید می‌کرد. شاید برخی حرکت‌های سیاسی آنها را به طور مطلق تأیید نمی‌کرد. اوایل پیروزی انقلاب اسلامی که شهید چمران به ایران منتقل شدند، دیدگاه‌های خود را نسبت به حرکت جنبش فتح بیان می‌کرد. چون بسیاری از هموطنان ایرانی در آن برهه سسپاتی شدیدی به فلسطینی‌ها و یاسر عرفات داشتند. وقتی عرفات آمده بود ایران مردم به ایشان به عنوان نماد و الگوی مبارزات ضد صهیونیستی نگاه می‌کردند، البته شهید چمران در صدد تضعیف عرفات نبود، ولی معتقد بود عرفات آنگونه که مردم تصور می‌کنند نیست.

**شهید چمران در جنبش محرومین چه نقشی داشتند؟ فعالیت‌های ایشان چگونه بود؟**

از جزئیات فعالیت‌های ایشان اطلاع دقیقی ندارم. اما به یاد دارم که یکی از فعالیت‌های شهید چمران در لبنان تأسیس هنرستان صنعتی (المهنية العاملية) در شهر صور در جنوب لبنان بود. اطلاع دارم که شیعیان لبنان در آن مرحله از نظر علم و دانش در سطح پایین قرار داشتند. شهید چمران برای اینکه جوانان شیعه اطلاعات علمی و صنعتی و هنری و فنی بیشتری کسب نمایند و کارآمد باشند، هنرستان صنعتی العاملیه را تأسیس کردند و تعدادی از معلمان شیعه در آن تدریس می‌کردند. این ابتکار باعث شده بود که میان شیعیان جنوب لبنان اعتماد به نفس ایجاد شود. و این نکته بسیار مهم و در راستای اهداف امام موسی صدر قرار داشت. امام موسی صدر یک انسان فرهیخته و عالم دینی متدین و آگاه بود که قصد داشت همه مسلمانان متحد و متفق شوند و در مقابل کسانی که حقوق - شان را محترم نمی‌شمارند بایستند.

شنیده بودم که یک شخص مسیحی در یکی از مناطق شیعه‌نشین و یا مسلمان‌نشین لبنان نوشابه‌فروشی دایر کرده بود، معمولاً فروشنده‌گان مسیحی نوشابه‌های الکلی هم می‌فروختند. اما گویا این شخص مسیحی نوشابه الکلی نمی‌فروخت. مردم شیعه از



**یکی از فعالیت‌های شهید چمران در لبنان تأسیس هنرستان صنعتی (المهنية العاملية) در شهر صور در جنوب لبنان بود. اطلاع دارم که شیعیان لبنان در آن مرحله از نظر علم و دانش در سطح پایین قرار داشتند. شهید چمران برای اینکه جوانان شیعه اطلاعات علمی و صنعتی و هنری و فنی بیشتری کسب نمایند و کارآمد باشند، هنرستان صنعتی العاملیه را تأسیس کردند و تعدادی از معلمان شیعه در آن تدریس می‌کردند.**

**رفتند و بعد عازم لبنان شدند. علت اینکه ابتدا به مصر و الجزایر رفتند چیست؟**

گمان کنم که به خاطر فراگیری آموزشهای نظامی بوده باشد. در آن برهه رژیم‌های انقلابی در الجزایر و مصر حکومت می‌کردند.

**در دوران زمامداری جمال عبدالناصر بود؟**

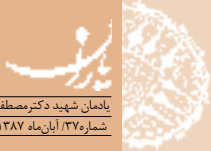
همین طور است. در مصر جمال عبدالناصر و در الجزایر هواری بومدین حکومت می‌کردند و از جنبش‌ها و احزاب ضد استعماری و ضد استبدادی پشتیبانی به عمل می‌آوردند.

در آن مرحله بسیاری از انقلابیون ایرانی در راستای دفاع از آرمان فلسطین عازم لبنان و مصر و الجزایر می‌شدند. این نشان می‌دهد که میان جنبشهای انقلابی و جنبش اسلامی ایران با رژیم‌های مترقی منطقه نوعی همکاری وجود داشته است. آیا عزیمت شهید چمران به کشورهای یاد شده ابتکار شخصی بوده است؟

در مدتی که شهید چمران در آمریکا حضور داشتند، انجمن اسلامی دانشجویان مسلمان ایرانی را پایه‌گذاری کردند. این انجمن به فعالیت‌های سیاسی و مذهبی گوناگون دست می‌زد. به طور مثال این انجمن هنگام سفر شاه به آمریکا تظاهرات گسترده‌ای در برابر کاخ سفید برگزار می‌کرد که تأثیر بسزایی روی افکار عمومی مردم آمریکا داشت. این تظاهرات باشکوه توانست افکار عمومی آمریکا را نسبت به رویدادهای داخلی ایران آگاه کند.

هنگامی که وارد لبنان شد بیدرنگ با امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان همکاری کرد و در نتیجه این همکاری جنبش محرومان توسط امام صدر پایه‌گذاری شد. چراکه وضعیت شیعیان لبنان بسیار نامناسب بود. شیعیان از بسیاری امتیازات سیاسی محروم بودند و این جنبش تا حدودی توانست خواسته‌ها و حقوق شیعیان را به آنان مسترد گرداند. یکی از اهداف این جنبش این بود که شیعیان به حقوق خود آشنا شوند. این حرکت محرومان به شیعیان اصالت بخشید و به آنها





یک گروه از علمای شیعه و سنی لبنان تصمیم گرفته به تهران بیاید. چون این علما می‌خواستند خدمت حضرت امام برسند. اولین بار ایشان را در مدرسه علوی زیارت کردم. به یاد دارم علمای اهل سنت عمامه‌های خاصی روی سر داشتند. اما عمامه‌های علمای شیعه مانند عمامه‌های روحانیون ایرانی بود. علمای مسلمان لبنانی روحیه خوبی داشتند و نسبت به پیروزی انقلاب احساس غرور و شادی می‌کردند و به امام احترام می‌گذاشتند.

#### نامی از این شخصیتها به یادتان هست؟

یادم هست که یکی از آنها جانشین امام موسی صدر، به نام شیخ محمدمهدی شمس‌الدین بود. روزی تعدادی از اعضای این هیئت را به زیارت حضرت عبدالعظیم در شهرری بردم و آنان را به محل اقامتشان بازگرداندم. شهید چمران از روزهای اول انقلاب در اندیشه تشکیل هسته‌های مردمی برای دفاع از انقلاب و برقراری امنیت در شهرها بود. در آن برهه عوامل ساواک ترور انقلابیون را آغاز کرده بود. پس از اینکه مرحوم مهندس مهدی بازرگان به نخست‌وزیری انتخاب شد، معاونت نخست‌وزیر به شهید چمران واگذار شد. در آن روزها بیدرنگ کمیته‌های مردمی شکل گرفت. مهمترین نکته این است که شهید چمران در همان روزها در فکر حفاظت از مردم و انقلاب توسط خود مردم بود. در آن روزها ساواکیها و چریک‌های فدایی خلق انقلابیون را ترور می‌کردند و دست به ناامنی زده بودند.

#### شهید چمران چندمین فرزند خانواده است؟

سومین فرزند خانواده است که بنده ششمین فرزند خانواده هستم.

#### آیا از مرحوم شهید چمران فرزندی به یادگار مانده است؟

زمانی که شهید در آمریکا سرگرم تحصیل بود و تظاهرات ضد شاه را برنامه‌ریزی می‌کرد و تدارک می‌دید، جمعی از آمریکایی‌ها پیرامون تظاهرکنندگان جمع می‌شوند تا بشوند اینها چه می‌گویند و خواسته‌شان چیست؟ شهید چمران در حین بحث و گفت و گو با یک خانم آمریکایی که هم‌کلاسی ایشان نیز بوده است، آشنا می‌شود. این آشنایی ادامه پیدا می‌کند و سرانجام این خانم آمریکایی مسلمان می‌شود و با شهید چمران ازدواج می‌کند. این خانم از یک خانواده فرهیخته و آگاه بوده است. گویا پدرشان مرکز انتشاراتی و کتابفروشی در آمریکا داشته است و در نتیجه این ازدواج صاحب سه فرزند می‌شوند. این بانوی بافتوا و مهربان آمریکایی شهید چمران را تا لبنان همراهی می‌کند و سالها با یکدیگر به زندگی‌شان ادامه می‌دهند تا اینکه حمله‌های ارتش رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان آغاز می‌شود. در پی این جنگها پدر و مادر همسر شهید چمران از او تقاضا می‌کنند که به آمریکا برگردد. خانواده همسر شهید چمران فرزند پسرشان را به لبنان اعزام می‌کنند تا خواهر و سه فرزندانش را به آمریکا بازگرداند. چون احساس کرده بودند که در جنوب لبنان امنیت جانی وجود ندارد.

همچنین در جنوب لبنان امکان تحصیل بچه‌ها وجود نداشت. این خانواده آمریکایی از شهید چمران با اصرار خواستند به آمریکا برگردد و در آن کشور زندگی کند. اما ایشان نپذیرفت.

پس از گذشت چند سال با یک بانوی لبنانی از شیعیان جنوب ازدواج رد. این بانو بسیار باسواد و فاضله و از خانواده‌های مبارز جنوب لبنان بودند.

#### هنگامی که با برادر شهیدتان در جمع خانواده می‌نشستید چه خاطراتی را بازگو می‌کرد؟

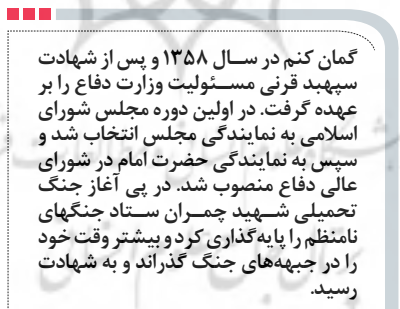
شهید مصطفی چمران در یکی از این جلسات نقل کرد که برای دیدن حضرت امام (ره) به نجف اشرف سفر کرده بود. زمانی که وارد شهر نجف می‌شود نیمه شب و در مسافرخانه‌ها بسته بوده است. به سمت صحن حضرت امیر مؤمنان (ع) حرکت می‌کند و شب را آنجا می‌گذرانند. نیمه شب که هوا سرد بوده خود را لای زبلوها و گلیم‌هایی که برای نماز جماعت اختصاص دارد می‌پیچاند تا صبح شود و پس از نماز صبح و زیارت به طرف منزل امام حرکت می‌کند. ■



داد. ایران به محور و مرکز حرکت انقلاب اسلامی در دنیا تبدیل شده بود و بر این اساس شهید چمران ترجیح داد به تهران باز گردد و به انقلاب و مسلمانان خدمت کند تا آثار انقلاب همه کشورهای اسلامی را فراگیرد. ایشان ایران را سرچشمه حرکت انقلاب اسلامی در جهان دانست و به این دلیل به ایران بازگشت.

#### چند مدت شهید چمران مسئولیت وزارت دفاع را بر عهده داشت؟

گمان کنم در سال ۱۳۵۸ و پس از شهادت سپهبد قرنی مسئولیت وزارت دفاع را بر عهده گرفت. در اولین دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مجلس انتخاب شد و سپس به نمایندگی حضرت امام در شورای عالی دفاع منصوب شد. در پی آغاز جنگ تحمیلی شهید چمران ستاد جنگهای نامنظم را پایه‌گذاری کرد و بیشتر وقت خود را در جبهه‌های جنگ گذراند و به شهادت رسید.



#### شهید چمران با این همه مسئولیت و پشتکار تا چه اندازه می‌توانست میان خانواده و پدر و مادر حضور داشته باشد؟

پس از آغاز جنگ همواره در جبهه‌ها حضور داشت. به یاد دارم که فقط چند بار به تهران آمد. شاید در این مدت یک بار به منزل پدر آمد تا اینکه روز ۳۱ خرداد سال ۱۳۶۰ به درجه رفیع شهادت نایل آمد.

#### هنگامی که مطلع شدید برادران پس از سالها غربت و دوری از وطن به تهران بازگشته است چه احساسی داشتید؟

احساس خوب و شیرینی بود. چون از ایشان خاطرات خوبی از دوران کودکی‌ام داشتم. محبت و مهربانی ایشان را هرگز فراموش نمی‌کنم، مخصوصاً با بچه‌ها.

#### از اولین ملاقات با ایشان پس از بازگشت به تهران چه خاطراتی دارید؟

پس از پیروزی انقلاب اسلامی اطلاع یافتم که ایشان همراه

ماندگار شدند و مبارزه بر ضد رژیم شاه را ادامه دادند. تعداد زیادی از مبارزان ایرانی و شخصیت‌های روحانی که تحت تعقیب مأموران رژیم شاه بودند در لبنان مستقر شدند.

#### آیا خانواده شهید هم به دیدار ایشان در لبنان رفتند؟

آری همین طور است. پدر و مادرم دو بار برای دیدار ایشان به لبنان رفتند. پدرم تعریف کرده‌اند که هر بار به لبنان می‌رفتند تعدادی از روحانیون و انقلابیون ایرانی را در لبنان مشاهده می‌کردند. انقلابیونی که در خارج از ایران به سر می‌بردند و توان آمدن به ایران را نداشتند در لبنان با خانواده‌های خود ملاقات می‌کردند.

#### پدر و مادرتان پس از دیدار با شهید مصطفی چمران و بازگشت به تهران چه خاطراتی را تعریف می‌کردند؟

پدر و مادرم نقل کرده‌اند که برادر شهید چمران فعالیت‌های زیادی در لبنان داشت. شب و روز نمی‌شناخت، آرامش و آسایش نداشت. مادرم به ایشان توصیه می‌کرد کمی استراحت کند. اما شهید چمران به مادر می‌گفت مگر حضرت علی (ع) آرامش داشت؟ ما که پیرو امیر مؤمنان (ع) هستیم نباید آسایش و آرامش داشته باشیم. شهید چمران در لبنان نه امکانات و نه بودجه کافی در اختیار داشت و درصدد بود با امکانات اندک کارهای زیادی انجام دهد. بنابراین هم به مردم جنوب لبنان رسیدگی می‌کرد و هم مبارزات ملت ایران را پیگیری می‌کرد. با وجودی که شهید چمران آدم فروتن و متواضعی بود افراد زیادی به لبنان می‌رفتند و از تجربیات ایشان بهره‌مند می‌شدند. هر چند که خیلی افراد با ایشان هم عقیده نبوده‌اند.

#### زمانی که شهید چمران در لبنان مستقر شدند آیا به ایران هم آمدند؟

خیر نتوانست به ایران بیاید، چون تحت تعقیب رژیم بود. البته مقام‌های ساواک چند بار افرادی را به لبنان اعزام کرد تا ایشان را به بازگشت به ایران متقاعد کنند. اما شهید چمران این پیشنهاد را نپذیرفت. چون می‌دانست اگر به ایران باز گردد، به این راحتی او را رها نخواهند کرد. امکان داشت فعالیت‌های او را در ایران محدود کنند.

#### آیا ساواک پیام‌های خود را توسط خانواده به شهید چمران منتقل می‌کرد یا مستقیماً اقدام می‌کرد؟

البته از طریق مأموران سفارت ایران در لبنان چند بار با ایشان تماس گرفتند. در تهران ساواک چند بار هم پدرم را احضار کرد و درصدد بود از پدرم اطلاعاتی کسب کند. پدرم از جزئیات فعالیت‌های شهید چمران اطلاع کافی نداشت و اطلاعات کلی در اختیار ساواک قرار می‌دادند ولی برادر شهید چمران همواره مورد تعقیب ساواک بود.

#### شهید چمران در زمانی که در لبنان حضور داشت جایگاه خاصی برای خود باز کرده بود. آیا دوستان سابق لبنانی همچنان نسبت به ایشان اظهار علاقه و تقدیر می‌کنند؟

از شهادت شهید چمران حدود ۲۶ سال می‌گذرد. یک نسل تغییر کرده است. اما در سالهای اول پیروزی انقلاب و نیز پس از شهادت ایشان بسیاری از شخصیتها و گروه‌های لبنانی که به ایران می‌آمدند با ایشان و با برادر بزرگترم دیدار می‌کردند و احترام می‌گذاشتند. به یاد دارم روزی یک هیئت از علمای لبنان که از ایران دیدن می‌کردند با برادرم که عضو شورای شهر تهران می‌باشد دیدار و نسبت به شهید چمران ادای احترام کردند.

#### بفرمایید دلیل اینکه شهید چمران لبنان را ترک کرد و به ایران بازگشت چیست؟

در حقیقت پیروزی انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در تاریخ جهان اسلام بود. در پی پیروزی انقلاب اوضاع خاورمیانه به کلی دگرگون گردید. روابط ایران با آمریکا و استعمارگران غربی از بین رفت. ایران به کانون حرکت و انقلاب رهایی - بخش برای ملت‌های منطقه تبدیل شد. شاید شهید چمران ترجیح میداد اگر مردم لبنان بخواهند موفق شوند و مسلمانان لبنان به حقوقشان برسند، به یک پشتوانه قوی نیاز دارند و ایران پشتوانه معنوی و اعتقادی همه ملت‌های جهان را تشکیل